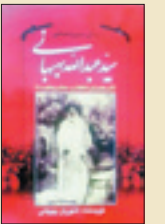


## پیش‌خوان

**نظری بر اثر تاریخی – پژوهشی «زندگی سیاسی و اجتماعی سیدعبدالله بهبهانی»**

**نخستین زندگینامه برای «سید»**

■ **شاهد توحیدی**



به شهادت اسناد و آثار، آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی از رهبران تراز اول مشروطیت ایران به شمار می‌رود. این امری است که مورد وقایع موافقان و مخالفان اوست، با این همه و پیش از آثری که هم‌اینگ درصدد معرفی آن هستیم،

درباره زندگی و زمانه وی اثری مستقل به رشته تحریر در نیامده بود. در سالیان اخیر، جناب شه‌ریار بهبهانی از نوادگان آیت‌الله بهبهانی سعی کرده‌است تا با تألیف می‌رود. این امری است که مورد وقایع موافقان و مخالفان اوست، با این همه و پیش از آثری که هم‌اینگ درصدد معرفی آن هستیم،

«درباره نقش آفرینان انقلاب مشروطه، منابع مختلفی اعم از وقایع‌نگاری، بیوگرافی و اتوبیوگرافی موجود است؛ اما سیدعبدالله بهبهانی نه خود فرصت را یافت تا حوادث زندگی‌اش را به رشته تحریر در آورد و نه اطرافیان، بازماندگان و هم‌زمانشان بدین کار همت گماردند. این در حالی است که در کلیه متونی که درباره انقلاب مشروطیت نوشته شده و با سرگذشت‌ها و خاطرات نقل شده از این دوران لاجرم افعال و کردار وی ثبت شده است؛ ولیکن کتابی که به صورت مستقل به زندگی سیاسی او پرداخته باشد، تا کنون تهیه نشده است.

آثری که پیش‌روی شماست، تلاشی می‌کند با استفاده از کتب، مقالات و متون چاپ شده درباره حوادث اجتماعی و سیاسی ایران در فاصله نهضت تحریم تنباکو تا انقلاب مشروطیت به معرفی تفصیلی این چهره سپهری هم‌بردار. در این میان برای روشن‌تر شدن برخی زوایای زندگی این رجل سیاسی از بعضی اسناد چاپ نشده و همچنین از تاریخ شفاهی نیز استفاده گردیده است. آنچه باعث گردید تا تاگزارنده



دکتر یونس

به این اقدام دست زند، مبتنی بر دو دلیل مشخص بوده است: نخست آن که من به عنوان یکی از نوادگان بهبهانی به صورت گریزی به شناخت وی و آنچه که او انجام داده است، علاقه‌مند بوده و هستم؛ ضمناً علاقه‌ام به تاریخ ایران از آن‌جمله تاریخ دوره قاجار به دلیلی بر تدوین این کتاب شد. از طرف دیگر، چنانچه هر فرد علاقه‌مندی به مطالعه تاریخ انقلاب مشروطیت همت گمارد و به دنبال یافتن تصویری روشن از شخصیت داخلی کشور می‌شدند و به پشتوانه همان نیز به اسلام می‌توان ادعا کرد که در خصوص بهبهانی به صورت نسبی نیز توفیقی حاصل نمی‌نماید، چراکه کتب و متون موجود هر یک نقشی متفاوت و ابعد شخصیتی گوناگونی را از این چهره معرفی نموده‌اند که خواننده را از رسیدن به یک چهره معرفی نموده‌اند که خواننده را ساخت. اگر چه گوناگونی ابعاد شخصیتی هر انسان، همواره راه شناخت و نسبی و غیر قطعی می‌سازد، اما اظهارنظرهای ضد و نقیض و نسبت دادن خصوصیات اخلاقی و رفتاری، دو سرر یک طیف می‌تواند در راه شناخت هر چهره سیاسی موانع بسیاری به وجود آورد و این همان اتفاقی است که درباره سیدعبدالله بهبهانی رخ داده است؛ بدین معنا که در معرفی بهبهانی ما شاهد اظهارنظراتی کاملاً متفاوت هستیم به صورتی که می‌توان براساس متون موجود، وی را فردی فداکار متنفعت‌طلب و رشوه‌خوار، وطن دوست تا خائن و ملت‌پوستان‌ها امری رایج بود. کشیش ساموئل زوهر، رئیس هیئت میسیونری در بحرین و مرکز کنفرانس عمومی مبلغان پروتستان در سال ۱۹۰۶م. عقیده داشت مدارس بهترین تکیه‌گاه میسیونرهای مسیحی

فداکار دانسته‌اند که یک تنه در مقابل استبداد می‌ایستند و در مقابل گلوله، سینه سپری می‌سازد و برخی او را مردی طماع و اهل زد و بند معرفی می‌کنند مانند هر انسان و هر رجل سیاسی در کنار محاسن، معایب و نقاط ضعفی نیز دارد، ولی قضاوتی اینچنین دوگانه و برشمرن صفاتی اینچنین ناسخ و منسوخ، راه را بر شناخت نسبی وی ناهموار می‌سازد. هر چند قضاوت مورخان درباره بهبهانی متفاوت می‌باشد ولی اکثر آنان در یک مطلب اتفاق نظر دارند و این نکته را مهدی بامداد در شرح حال رجال ایران چنین بیان می‌سازد: سیدعبدالله برای هر نظری که فرض شود یکی از پیشوایان و مؤسسان مشروطیت ایران است که زحمات بی‌شماری را در این راه متحمل شد.»

■ **فاطمه حسینی**

آغاز و انجام ورود میسیونرهای مذهبی به ایران، از مدخل‌های پهلوی پژوهی به شمار می‌رود. این موضوع از آن نظر که می‌تواند وابستگی‌های پیدای و پنهان دربار و وابستگان آن را نمایان سازد نیز در خور توجه است. در مقال پیش‌روی، این پدیده در ادوار پهلوی اول و دوم مورد بررسی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

ورود میسیونرهای مذهبی به کشورهای اسلامی، همواره با دغدغه و چالش مواجه بوده است. از آنجا که اقدامات هیئت‌های مذهبی امریکایی در سرزمین‌های مسلمان خدشه بر دین و دولت وارد می‌کرد، میسیونرها تحت پوشش خدمات اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی آیین مسیحیت را تبلیغ می‌کردند. به‌طور کلی در سال ۱۹۰۰م. نزدیک به ۷هزار امریکایی در بیش از ۳۰ کشور جهان مشغول آموزش کتاب مقدس بودند اما در سده‌های بعدو با تغییر بنیادی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اروپا این وظیفه تا حد زیادی تغییر ماهیت داد و از مبلغان مذهبی، سفیرانی سیاسی ساخت که گاه چنان قدرت می‌یافتند که تأثیرگذار در امور داخلی کشور می‌شدند و به پشتوانه همان نیز به اسلام دست‌اندازی می‌کردند که البته با مقابله فکری – قلمی رهبران دینی و گاه فراتر از آن از جانب مردم مواجه می‌شدند. تحلیل‌گران امریکایی نظیر «جیمز بیل و آبراهام نیکسون» ادعان داشتند امریکایی‌ها به تازوب سعی می‌کردند با انتشار پیام‌هایی، توده‌های مسلمان شیعه را به دین مسیح دعوت کنند، اما این دعوت‌ها از سوی شیعیان به‌سردی رد می‌شد و آنها پیشرفت زیادی در برانداختن آیین اسلام نداشتند. باین حال نمی‌توان نقش آنها در مقام زمینه‌سازان آشنایی و دوستی میان ایران و امریکا و تأثیر آن در گسترش روابط، نفوذ و سلطه امریکا در ایران غافل ماند.

در فعالیت‌های آموزشی و پزشکی، امکان استفاده از مُتِلُع زن در مدارس و بیمارستان‌ها فراهم می‌شد که خود برای بخشی از جامعه هدف جذاب بود. انتشار تصاویر، کتب و جزوه‌های تبلیغی در مدارس و بیمارستان‌ها امری رایج بود. کشیش ساموئل زوهر، رئیس هیئت میسیونری در بحرین و مرکز کنفرانس عمومی مبلغان پروتستان در سال ۱۹۰۶م. عقیده داشت مدارس بهترین تکیه‌گاه میسیونرهای مسیحی

## میسونرهای مذهبی در ایران

میسونرهای مذهبی در ایران با تکیه بر ناسیونالیسم فرهنگی پهلوی که با تکیه بر ناسیونالیسم افراطی و سکولاریسم سعی در تضعیف فرهنگ و مذهب بدین معنی که در معرفی بهبهانی در اثر زبایی اولیبه از حکومت رضا شاه، دیکتاتوری نظامی را برای ایران ضروری می‌دانستند. آنها از خارج نشدن قدرت و اختیار از دست حکومت، تأسیس مدارس دولتی، کشف حجاب، تحمیل لباس‌های غربی به مردان ایرانی و تضعیف و سرکوب آیین و مذهب اسلام کاملاً رضایت نداشتند



**گذری بر تاریخچه ورود میسیونرها به ایران در ادوار پهلوی اول و دوم**

# مبلغان مذهبی

# حامیان ساختار شکنی پهلویستی

در تماس با مسلمانان است. بیشتر مبلغان در کشورهای اسلامی عقیده داشتند مدارس میسیونری دروازه‌های تمدن غربی را به روی دانش آموزان می‌گشاید و آنها را از شیوه زندگی شرقی نارضامی می‌کند و این نارضایتی به‌تدریج تمایل به روی گرداندن از وضعیت خود به‌سوی تمدن غربی را موجب می‌شود.

■ **ورود میسیونرها به تهران**

در نیمه دوم قرن ۱۹م/۱۳ق در بعضی محلات تهران مسیحیان و یهودیان ساکن بودند. دو محله عهد مسیحی‌نشین تهران عبارت بودند از دروازه شمشه عبدالعظیم با حدود ۴۰ خانوار ارمنی و دروازه قزوین که محله جدیدتری بود، با حدود ۷۰ خانوار ارمنی. هر محله کلیسایی داشت. تهران به علت جایگاه سیاسی و پایتخت مورد توجه میسیون‌های امریکایی قرار گرفت. در سال ۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق یکی از آسوریان مبلغ به نام «گیورگیس» گاه به تهران می‌آمد و کتب تبلیغی توزیع می‌کرد. سپس میسیون فردی به نام «جیمز باست» را مأمور بردن توجه میسیون‌های امریکایی در تهران کرد و چون تهران را مناسب تر دید، باست همراه خانواده‌اش و یک مبلغ دیگر در سال ۱۸۷۲م/۱۲۸۹ق به تهران آمد و مدتی بعد کلیسایی با ۱۲عضو در تهران تأسیس نمود که تعداد اعضای آن مسلمانی بود که تغییر دین داده بود، اما ارانه مقیم تهران نسبت به فعالیت باست، واکنش نشان دادند.

■ **عملکرد میسیونرها در دوره رضاشاه**

طرح ایجاد کلیسای تبشیری ایران به‌وسیله مبلغان امریکایی و انگلیسی در زمان رضاخان طراحی شد. اما انجام نشد. یکی از اقدامات این طرح، تشکیل کمیته مشترک ادبیات مسیحی بود و بر انتشار کتب مذهبی و مجلات تبلیغی مسیحی در ایران نظارت می‌کرد که ثمره این طرح بود و به‌تدریج باعث پیوستن محصلاتی که در مدارس میسیونری تربیت شده و دوره‌های مذهبی را در ایران یا امریکا فرا گرفته بودند به عضویت کلیسای انجیلی که در سال ۱۳۲۹ش.ایران به عضویت شورای آن کلیسا درآمده بود، شد.

پیروزی در جنگ جهانی اول و تغییر سیاست‌های دولت امریکا بر رفتار مبلغان امریکایی در ایران نیز اثر گذاشت. تا قبل از اتمام جنگ حفظ جان میسیونرها و رسیدگی به امور آنها از عوامل ارتباط ایران و امریکا بود اما بعد از جنگ، دستیابی امریکا به ذخایر نفتی ایران با توجه به پیدایش شرکت‌های بزرگ نفتی در امریکا و تلاش برای



دختری از اصفه‌های مبلغ مسیحیت در کلیسای وانگ اصفهان

تصمیم دولت باخبر شدند، با دادن آگهی در برخی جراید، می‌خواستند املاک خود را به مبلغ بیشتری بفروشند. ارز‌شمندترین املاک امریکایی‌ها در ایران عبارت بود از: کالج البرز و مدرسه دخترانه در تهران، مدارس تبریز، رشت، همدان و ارومیه. پس از گفت‌وگو در این زمینه، پر سبیبترین‌های امریکایی موافقت کردند تا املاک خود را به‌صورت اقساط واگذار نمایند. باین توافق که در پنج قسط از اسفند ۱۳۱۹ تا سال ۱۳۲۲ش. پرداخت شود و کالج البرز، مدرسه دخترانه تهران، دبیرستان ابن‌سینا همدان، دخترانه همدان و دبیرستان‌های دخترانه رشت و تبریز جمعاً به مبلغ یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار دلار قیمت‌گذاری شد، ولی امریکایی‌ها تقاضای ۱۴۱ میلیون دلار داشتند و حاضر به دریافت بهای املاک نبودند. موعود پرداخت نیز از اسفند ۱۳۱۹ش تا آذر ۱۳۲۲ تعیین شده بود. طبق اسناد وزارت امورخارجه، ش ۱۰۰۲۸، از سال ۱۳۱۸ به بعد بسیاری از آنها کشور را ترک کردند ولی بعد از پایان جنگ جهانی اول و تغییر سیاست دولت حاکم و نفوذ بیشتر دولت متبوع آنها به سیاست خارجی ایران مجدداً برگشتند و به فعالیت خود ادامه دادند.

■ **عملکرد میسیونرها در دوره پهلوی دوم**

با ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ و نفوذ نمایندگان سیاسی کشورهای امریکا و انگلیس بر حکومت محمدرضا پهلوی و دخالت مستمر آنها در امور داخلی ایران، مبلغان مذهبی در بازگشت به ایران به بازپس‌گیری مجدد املاک خود اقدام نمودند. از سوی دیگر دولت ایران که به علت جنگ و شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه نتوانسته بود اقساط مورد توافق را پرداخت نماید، بهانه‌ای به دست مبلغان داد تا ادعای حقوقی علیه دولت ایران مطرح نمایند و با وجودی که مهروم‌ها بدون توجه به قوانین ایران به فعالیت آموزشی پرداخته بودند، ادعا کردند که در زمان رضاشاه مورد احقاق واقع شده‌اند و خواستار اعاده حقوق خود شدند.

در تیرماه سال ۱۳۲۱ش. وزیر امورخارجه به نخست‌وزیر وقت اعلام کرد نمایندگان میسیونرهای انگلیس و امریکا از طریق سفار سخانه‌های متبوع خود خواستار بازگشت مدارس خود هستند، ولی او پیشنهاد می‌کند به‌جای بازگشت املاک، تفاوت قیمت یا قطعه‌زمینی به‌ازای آنچه مبلغان گرفته‌اند، به آنها داده شود ولی دولت ایران موافقت نکرد و عقیده داشت این املاک به‌طور رسمی به دولت ایران واگذار شده و دیگر امکان بازگشت وجود ندارد. این مناقشات تا سال ۱۳۲۴ش. ادامه یافت و مبلغان به نتیجه دلخواه خود نرسیدند و سرانجام مبلغان انگلیسی با اعمال نفوذ توانستند بخشی از املاک خود را پس بگیرند اما دولت امریکا درحرح کنی به‌ظاهر دوستانه از ادعاهای مبلغان صرف‌نظر کرد و مدارس امریکایی همچنان در تصرف دولت ایران باقی ماند. به‌جای مدرسه دخترانه امریکایی ایران بت‌نیل «مدرسه عالی دماوند» و اداره کالج البرز، به دولت ایران واگذار گردید.

■ **آشنایی با وانفرز از مبلغان مذهبی در ایران**
زندگینامه چند نفر از مبلغان مشهور مسیحی مقیم ایران که به نوعی در ایجاد مدارس امریکایی نقش داشته‌اند بدین شرح است:

۱- **جین دولیتل:**وی در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۴ش به تهران آمد و ۲۲ سال داشت از طرف میسیون

پرسیبترین امریکا به ایران آمد و مدت ۵۰سسال در ایران آن به تدریس و تبلیغ مشغول بود. سه سال در مدرسه دخترانه امریکایی همدان به تدریس پرداخت و زبان فارسی را آموخت و یاد گرفت و سپس مدیر مدرسه دخترانه امریکایی تهران شد و پس از تعطیلی مدرسه امریکایی در سال ۱۳۱۹ش/۱۹۴۰م همچنان در ایران ماند و به تدریس زبان انگلیسی ادامه داد و کلاس‌های سخنرسانی در بین عامه مردم و چون تعلیم مدارس خارجی قابل کنترل نبود، دولت ایران می‌خواست مدارس را در اختیار داشته باشد و از طریق آموزش و پرورش، یک نظام فکری واحد ایجاد کند.

هنگامی که رضاشاه تصمیم گرفت مدارس و بیمارستان‌های مبلغان در شهرهای مختلف را به اموال دولتی تبدیل و از آنها در اجرای برنامه‌های فرهنگی خود استفاده نماید، مبلغان مسیحی غافلگیر شدند دولت می‌خواست ضمن استفاده از دهها مدرسه و بیمارستان فعال و معتبر مبلغان، در هزینه‌های آموزشی و بهداشتی صرفه‌جویی کند و از سوی دیگر بتواند بسر اعمال و برنامه‌های این نظارت کامل داشته باشد، زیرا مدارس میسنوری گزارش کاملی از عملکرد خود به دولت ارائه نمی‌دادند و در بسیاری از موارد، طبق برنامه آموزشی ایران رفتار نمی‌کردند. روابط مبلغان با دولت ایران تیره شد و وقتی نتوانستند با توجه به برنامه دولت به فعالیت خود در ایران ادامه دهند و میسیونرها از جدی بودن

کلیسای پرسبیبترین امریکا از جمله یکی از صاحبان معادن نفت او کلاهما بهره‌مند بود. تدریس انجیل و تعلیم مسیح جزو برنامه درسی کالج بود و دکتر «واشیمیا» از مبلغان امریکایی مقیم ایران عقیده داشت از مدرسه امریکایی تهران بیش از هر مدرسه دیگری، پسران مسلمان به مسیحیت گرویده‌اند. دکتر جردن در سال ۱۳۳۱ش. در لس‌انجلس درگذشت اما شواهد حاکی بر عدم تغییر دین در بین دانش آموزان است و این برداشت آنها شاید به خاطر احتمال تظاهر به تغییر دین از سوی دانش آموزان ایرانی بوده «عم از مسلمانا یا سایر مذاهب» و شرکت دانش آموزان در تایم بحث اخلاقی در مدرسه بعد از زنگ اول بود که هر روز این برنامه در مدرسه اجرا می‌شد.

۳- **میری پارک جردن:**همسر دکتر جردن، فرزند میسیونر پرسبیبترین و مدیر مدرسه‌ای در پستون بود. در سال ۱۹۹۸م. همراه همسرش با عنوان مربی میسیونر به ایران آمد و در مدرسه پسرانه دخترانه امریکایی تهران به تدریس زبان انگلیسی و موسیقی پرداخت. در سال‌های آخر اقامت، مشاور وزیر فرهنگ در تهیه کتب درسی انگلیسی بود.

۴- **جان لدر:**در سال ۱۸۹۴م. در پنسیلوانیا به دنیا آمد و پس از اخذ لیسانس از کالج جفرسن به تحصیل در دانشگاه علوم دینی مک کورمیک پرداخت. در سال‌های ۱۹۱۸الی ۱۹۲۷م. دبیر انجمن جوانان مسیحی ایروان در ارمنستان بود. در سال ۱۹۲۲م. از طرف کلیسای پرسبیبترین به ایران اعزام شد و سال‌ها در ایران به تبلیغ و مدیریت امور کلیسای انجیلی مشغول بود. از جمله مشاغل او در ایران می‌توان به مدیریت کلیسای انجیلی در ۱۹۳۵م، ریاست اتحادیه کلیسای انجیلی ایران ۱۹۶۰-۱۹۴۷، دبیر اجرایی میسیون امریکایی در ایسران ۱۹۵۹-۱۹۵۶، منشی کمیته ادیان مسیحی در ایران ۱۹۳۸ اشاره کرد. وی همچنین با سازمان‌ها و نهادهای دولتی امریکایی در ایران مانند کمیته فولبرایت همکاری داشت. او از پرکار ترین مبلغان امریکایی در ایران بود و دهها جلد کتاب فارسی و انگلیسی از جمله ایمان به خدا در قرن بیستم، کشف‌الایات و تاریخ میسیون امریکایی در ایران از اوست. او به زبان‌های عربی، فارسی و لهجه‌های محلی هندی مسلط بود و در سال ۱۳۴۳ش. ایران را ترک گفت.

۵- **آرتور گلینتون بویس:** دکتر بویس معاون کالج امریکایی لس‌انجلس در تهران بود. وی در سال ۱۸۸۴م. در شهر توسکا، ایالت ایلی نوز امریکا به دنیا آمد. در کالج لایبیت تحصیل کرد و در سال ۱۹۰۷م. در رشته تعلیم و تربیت فارغ‌التحصیل شد. در این سال‌ها دکتر جردن برای مرخصی به امریکا رفت. دکتر جردن در دیداری که از کالج لایبایت داشت، دکتر بویس را برای همکاری انتخاب نمود. بویس ابتدا برای یک دوره از آمایش سه‌ساله عازم تهران شد، ولی اقتدر از ایران باخیش آمد که ۲۳ سال در ایران ماند. وی در سال ۱۹۱۰م. برای ادامه تحصیل به امریکا برگشت. در سال ۱۹۳۲م. در رجه دکتری خود را از دانشگاه شیکاگو گرفت و در این سال‌ها دکتر جردن نقش مهمی در عهده گرفت. در ضمن انگلیسی، جبر، تاریخ و هندسه نیز تدریس می‌کرد. در ۱۹۳۹م. برای مرخصی به امریکا رفت ولی پس از اشغال ایران به دست متفقین به ایران بازگشت. چون دولت ایران اداره کالج را بر عهده گرفته بود، دکتر بویس به تدریس زبان انگلیسی ادامه داد و در اعزام دانشجوایان ایرانی به امریکا با سفارت امریکا در تهران همکاری می‌کرد و امور محصلان در سفارت امریکا را به همین منظور دایر نمود. دکتر بویس در سال ۱۹۴۹م. به امریکا بازگشت و یک سال بعد بازنشسته شد. او از بنیانگذاران انجمن ایسران و امریکا بود. بویس در سال‌های آخر اقامت در ایران به مطالعه خطوط ایرانی پرداخت و ۲هزار سند نوشته‌شده تألیفات بویس سنجش کارایی معلمان و بررسی خط فارسی است. او در سال ۱۹۵۹ انتشار این کتاب‌ها را ممنوع کرد.

۶- **جیمز بایاست:** مبلغ وابسته به میسیون امریکایی پرسبیتین بود که ابتدا در ارومیه فعالیت می‌کرد و در سال ۱۸۷۲م. مأمور بررسی زمینه‌های تبلیغ در همدان و تهران شد و چون تهران را برای تبلیغ مناسب‌تر تشخیص داد، همراه همسرش به تهران آمد. او کار خود را با تبلیغ میان ارمنه آغاز کرد اما به‌زودی زبان فارسی را برای تبلیغ انتخاب کرد. عقیده داشت به این وسیله تعداد بیشتری را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در سال ۱۸۸۰م. دولت حضور مسلمانان را در مجالس وعظ میسیونرهای مسیحی ممنوع کرد اما وی دو سال بعد توانست کار خود را از سر بگیرد. او که به زبان فارسی تسلط داشت، با رابرت بروس، مبلغ انگلیسی در اصفهان برای ترجمه انجیل همکاری کرد و حتی از طرف باشگاه کتب مقدس بریتانیا و کشورهای خارجی، مأمور سفر به مشهد و ترجمه انجیل برای ترکمن‌های ساکن در شمال خراسان شد. جیمزباست پس از مدتی تبلیغ به تهران برگشت و با جدیت به کار در مدرسه پسرانه امریکایی تهران ادامه داد. او تجربیات خود را که از سال‌ها اقامت و تبلیغ در ارومیه، همدان، تهران، اصفهان، مشهد و قزوین داشت در کتابی با نام «ایران سرزمین ائمه» چاپ کرد.

۷- **سهیل آذری:** در سال ۱۳۰۱ش. به دنیا آمد. پس از تحصیل در کالج امریکایی البرز، به مسیحیت گرایش یافت و دوره سه‌ساله علوم دینی مسیحی را گذراند و به خدمت میسیون پر سبیتری امریکا در تهران درآمد و سال‌ها دبیر سیدر مجله «نور عالم» و نور جهان» از انتشارات کمیته ادبیات مسیحی بود. وی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، از انجمن طرفداران خط فارسی می‌شود.